

اصلاح جامعه بالنده ترین یادگار امام حسین

<?xml encoding="UTF-8?>

هر سال که ایام محرم فرا می رسد حرکت خود جوش مردم و عاشقان حسینی از نو شروع می شود، عزاداری ها برای اهل بیت رسول خدا (ص) و به خصوص خامس اهل کساء برپا می گردد. این عزاداری ها بی شک مورد رضای الهی و موجب خشنودی رسول خدا (ص) و ائمه اطهار و بویژه بانوی دو عالم حضرت صدیقه طاهره علیهم السلام می باشد علاوه بر این، عزاداری امام حسین (ع) و تجدید آن در هر سال که ائمه (ع) بر آن توصیه و اصرار دارند (1) برای آموزندگی آن است و به این خاطر حادثه کربلا ضمن تجدید حیات طیبه در مؤمنان و شستن زنگار گناهان یک ساله، یک درس تاریخی بزرگ می باشد. بنابراین جهت روشن شدن هدف این درس لازم است عناصر پدید آورنده این حادثه بررسی شود.

عناصری که در به وجود آوردن این حادثه مؤثر بوده اند زیاد می باشند و ممکن است هر یک به نحوی اثر داشته باشد که مهم ترین آنها را می شود به ترتیب زیر نام برد:

- 1- یزید از کارگزار خود در مدینه خواست که از امام (ع) بیعت بگیرد و امام (ع) از این خواسته امتناع کرد و به سوی مکه حرکت نمود که این آغاز حرکت امام در حادثه کربلاست.
- 2- مردم کوفه بعد از اطلاع از مرگ معاویه و امتناع امام (ع) از بیعت و حرکتش به سوی مکه از حضرتش دعوت کردند و خواستند که حضرت به کوفه بیاید و زمام امور را به دست گیرد که این دعوت از سوی امام (ع) مورد پذیرش قرار گرفت و به سوی کوفه حرکت کرد.
- 3- امام (ع) شرایط موجود در جامعه را قابل تحمل نمی بیند و می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند لذا در موارد زیاد مسئله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می کند و اوضاع بسیار بد جامعه را متذکر شده و از تغییر ماهیت اسلام و حلال شدن حرام الهی و حرام شدن حلال، صحبت می کند و بالاخره فساد حکومت یزید و سرمنشا تمام گرفتاری ها را یادآور شده بیان می دارد که در چنین شرایط وظیفه یک مسلمان این است که برای جلوگیری از این حوادث سکوت نکند.

در بررسی تاریخی معلوم می شود که هر کدام از عوامل مذکور به نحوی در پیدایش حادثه کربلا دخیل بوده است ولی از بیانات امام (ع) به وضوح پیداست که از همه مهم تر عامل امر به معروف و نهی از منکر می باشد لذا امام (ع) بدون توجه به دو عامل دیگر و قطع نظر از این که یزید بیعت خواسته و یا مردم کوفه دعوت نموده، بارها و با صراحت کامل مسئله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می کند و آن را به عنوان یک اصل مستقل دینی و عامل اساسی ذکر می نماید، یعنی حتی اگر دو عامل دیگر نمی بودند، امام (ع) برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر قیام می کردند، لذا حضرت در ابتداء حرکت خود یعنی هنگام حرکت از مدینه در وصیت نامه خویش به برادرش محمد بن حنفیه چنین می نویسد:

«... و انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی، ارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب...» (2) ... من از مدینه به قصد تکبر و فساد و ستمگری بیرون نیامدم، بلکه تنها برای طلب اصلاح در میان امت جد بزرگوام خارج شدم، می خواهم امر

به معروف و نهی از منکر بکنم و به روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب رفتار نمایم.

به موجب این وظیفه الهی امام (ع) یک مسلمان مطیع و مجری فرمان خدا و معترض و منتقد است و فردی است مثبت و خواهان اصلاح، زیرا همه جا را فساد گرفته، حلال خدا حرام و حرام خدا حلال شمرده می شود بسیار طبیعی است در چنین شرایط طبق احادیث پیامبریزگوار اسلام و ائمه علیهم السلام، یک مسلمان نمی تواند ساکت نشسته و تماشاگر صحنه باشد و الا طبق حدیث «کان حقا علی الله ان یدخله مدخله (3) بر خدا فرض می شود که چنین فرد را گرفتار عذاب نماید».

پیامبر خدا (ص) می فرماید:

«اذا امتی تواکلوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فلیاذنوا بوقاع من الله؛ (4) هنگامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر بگذارند - یعنی هر فرد به امید این که دیگری انجام خواهد داد این وظیفه الهی را انجام ندهد و در نتیجه کاری انجام نگیرد - باید آماده و منتظر عذاب الهی باشند.»

قرآن کریم در یک مورد عذاب الهی را بدین نحو توضیح می دهد:

«قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا ویذیق بعضکم باس بعض؛ (5) بگو خدا قادر است که از بالای سرتان بر شما عذاب بفرستد یا از زیر پایتان عذاب بجوشاند یا شما را دسته دسته بکند یا اینکه زیان خودتان را بر خود شما برساند - به جان همدیگر ببندازد!»

در تفسیر آمده است منظور از عذاب بالای سر یعنی شما از مافوق ها عذاب می بینید، عذاب از زیر پا یعنی از طبقه مادون عذاب می بینید. (6)

در این مورد جمله ای از امام رضا (ع) وارد شده است که بسیار قابل تأمل است حضرت می فرماید:

«یا باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و یا لیستعملن علیکم شرارکم فیدعوا خیارکم فلا یستجاب، یعنی اگر امر به معروف نکردید اشرار جامعه بر گرده مردم سوار می شوند در این صورت خوبان دعا می کنند ولی مورد اجابت قرار نمی گیرد.» (7)

مرحوم شهید مطهری در معنی قسمت آخر حدیث از غزالی مطلبی را نقل می کنند بدین نحو:

«غزالی گوید منظور از عدم اجابت دعای خوبان جامعه یعنی این که وقتی مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند آنقدر پست می شوند. آنقدر رعبشان، مهابتشان و عزتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظالمان می روند هر چه ندا کنند به آنها اعتنا نمی شود.»

یعنی پیامبر می فرماید: اگر می خواهید عزت داشته باشید و دیگران روی شما حساب کنند امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید و الا اولین مشکل ضعف خودتان است و آن پستی و زبونی شماست که روی شما حساب نمی شود. (8)

از دیدگاه رسول خدا (ص) نیز تمام برکات زندگی در گرو انجام این وظیفه بسیار مهم است در حدیثی می فرماید: «امت من همواره خیر و برکت خواهند داشت تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کرده باشند و در نیکی کردن همدیگر را یاری کنند و اگر این را انجام ندادند برکات زندگی از آنها برداشته شده، برخی بر برخی دیگر تسلط می یابد و اینها نه در زمین و نه در آسمان یآوری نخواهند داشت.» (9)

برادران و خواهران ایمانی باید انصاف داد که اصل امر به معروف و نهی از منکر که یکی از فروع دین و واجبات بسیار مهم می باشد آن طور که باید در میان مؤمنان شناسایی نشده و مورد شناخت قرار نگرفته است.

در این مورد اگر تنها به قرآن مراجعه شود نه به احادیث و کتب فقه، متوجه خواهیم شد که قرآن کریم این اصل

را چقدر مهم دانسته و بارها تکرار کرده است. در جایی امت بهتر بودن را منوط به انجام این وظیفه الهی نموده و در موردی رستگاری جامعه و سعادت مردم را در گرو امر به معروف و نهی از منکر دانسته و در نهایت با تحلیل جامعه شناختی نمونه هایی از ملل و جوامع گذشته را که عاقبتی جز بدبختی و هلاکت نداشته اند ارائه کرده و می فرماید علت این هلاکت ها بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر بوده است.

در آیه 110 سوره آل عمران می خوانیم: (خطاب به مسلمانان)

«کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن المنکر وتؤمنون بالله؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شدید - چه این که - امر به معروف می کنید و نهی از منکر و به خدا ایمان دارید...»
از این بیان روشن می شود مسلمانان تا زمانی یک امت ممتاز محسوب می گردند که دعوت به سوی نیکی ها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند و آن روز که این دو وظیفه فراموش شد نه بهترین امتند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود.

در آیه 104 همان سوره سعادت و رستگاری مردم را در گرو انجام این وظیفه الهی دانسته و می فرماید:

«ولتکن منکم امة يدعون الى الخير ويامرون بالمعروف وينهون عن المنکر واولئک هم المفلحون؛ باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند.»

پس از دید قرآن کریم تنها آن امت که در میان آنان دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد می تواند سرافراز، سعادتمند، مستقل، نمونه و در یک کلام رستگار باشد و الا هرگز برای رستگاری جامعه تضمینی وجود نخواهد داشت.

از طرفی در آیات متعدد هلاکت و بدبختی ملل گذشته را بدین جهت دانسته است که آنان دعوت به حق و مبارزه با فساد نداشته اند در سوره هود آیه 116 می خوانیم:

«فلولا کان من القرون من قبلکم اولوا بقية ينهون عن الفساد فی الارض...؛ چرا در نسل های گذشته عده ای از مردم صاحب مایه نبودند - عقل و فکرشان کار نمی کرد - که با فساد در روی زمین مبارزه کنند تا منقرض و هلاک نشوند؟!»

در همین زمینه در آیه 79 مائده در مورد آنهایی که مورد لعن پیامبران قرار گرفته می فرماید:

«...کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون؛ آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند یکدیگر را نهی نمی کردند چه بدکاری انجام می دادند؟!»

در تفسیر این آیه از امام صادق (ع) حدیث نقل شده است که: این دسته که خداوند از آنها مذمت کرده است هرگز در کارها و مجالس گناهکاران شرکت نداشتند بلکه فقط هنگامی که آنها را ملاقات می کردند در صورت آنان می خندیدند و با آنان مانوس بودند - گویا کار خلاف انجام نداده اند. (10)

انس گرفتن با فرد فاسد در حدی که در آیه مبارکه فوق آمده است نشانه ضعف ایمان است و شاید کمتر از آن، لذا پیامبر خدا (ص) در مورد آنکه دعوت به حق و معروف نمی کند و مبارزه با فساد و منکر ندارد می فرماید:

«ان الله عزوجل لیبغض المؤمن الضعیف الذی لا دین له فقیل و ما المؤمن الضعیف الذی لا دین له؟ قال (ص) : الذی لاینهی عن المنکر.» (11)

نکته مهم:

نکته بسیار مهمی که از مطالب گذشته می توان به دست آورد این که گناه ترک این دو وظیفه الهی بسیار سنگین است و از این جهت با گناهان دیگر تفاوت اساسی دارد زیرا گناهان دیگر هر اثر سویی داشته باشند به خود

گناهکار برمی گردد ولکن ترک این دو وظیفه الهی موجب خرابی جامعه شده و بلا و گرفتاری عمومی می گردد و متقابلاً اگر این دو وظیفه الهی انجام بگیرد جامعه صالح می شود و همه کارها سامان می یابد. امام باقر (ع) می فرماید:

«... ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر...» فریضه بزرگی است که با آنها واجبات دیگر انجام می گیرد و اگر ترک شوند خشم خداوند عزوجل لبریز شده و عقابش بر همه عمومیت پیدا می کند در نتیجه نیکان در جامعه اشرار و کوچکان در جامعه بزرگان، هلاک می شود همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و صلحاء است، فریضه بزرگی است که فرائض دیگر به کمک آنها انجام می گیرد و راهها امنیت یافته و کسب و کار حلال می شود و حقوق پایمال شده برگردانده می شود و زمین آباد می گردد و دشمنان مجبور به انصاف می شوند و کار درست می شود...» (12)

با توجه به این همه آثار مهم، دعوت به معروف و مبارزه با فساد، امام حسین (ع) خود و خانواده و عزیزانش و یاران بسیار بزرگوارش را فدای زنده کردن این دو فریضه الهی نمودند و با این عمل خود، نشان دادند که زنده نگاه داشتن آن ها به قدری مهم و با ارزش است که در صورت لزوم حتی امام هم باید فدای آن ها شود. اما متأسفانه در فرصت عزاداری های محرم به این بخش توجه بیشتر نمی شود و آن چه بیشتر تشریح می گردد نحوه شهادت امام و یاران حضرتش است، گرچه تشریح نحوه شهادت و زنده نگاه داشتن حماسه بزرگ حسینی بسیار با ارزش است و همان طور که گفتیم برای این ائمه (ع) بسیار اهتمام داشتند به قدری که فرموده اند :

«نفس المهموم لنا تسبیح و همه عبادۀ نفس کشیدن فردی که به جهت مظلومیت اهل بیت رسول خدا (ص) غمگین است تسبیح است و غصه او عبادت است.»

اما بدیهی است آن چه بر این حادثه بزرگ تاریخی هویت بخشیده و عظمت داده است هدف آن یعنی انجام امر به معروف و نهی از منکر است زیرا ابا عبدالله الحسین (ع) برای این قیام نمودند که امت جدش از واقعیات دین فاصله گرفته بودند و آشکارا دین الهی را تحریف می کردند و هوسبازان بنی امیه جهت رسیدن به مطامع پست نفسانی، آن را ملعبه قرار داده بودند، پس اگر زنده کردن عزاداری ها و گریه بر حسین و یارانش بسیار مطلوب است حتماً گریه کردن بر این که هدف حسین (ع) ترک شده است بیشتر از همه مطلوب خواهد بود.

سؤال:

در این جا سؤال پیش می آید و آن این که چطور شد امر بسیار عظیمی همانند امر به معروف و نهی از منکر با آن اهمیت شگفت انگیزش در جامعه ای که مردم آن سر تا پا حسینی اند چنان هضم شده و تحلیل رفته است که نه تنها انجام نمی گیرد - جز بسیار ضعیف - بلکه هر کس بخواهد انجام دهد مشکل پیدا می کند؟ چگونه تکلیفی که دین الهی همانند نماز برای همه افراد جامعه فرض نموده است نه تنها ترک می شود، بلکه جو لازم برای انجام آن در میان مؤمنان وجود ندارد و این در حالی است که جامعه، فرهنگ، اخلاق، اقتصاد و... از ناحیه انجام نگرفتن این وظیفه الهی هر روز متحمل ناهنجاریهای زیاد شده و می شود!؟

پاسخ:

به نظر می آید که این مشکل علل مختلفی داشته و دارد که اینک به برخی از آنها اشاره می شود:

1- ناآگاهی و یا کم آگاهی عمومی از توجه به این فریضه الهی و در نتیجه عدم شناخت عمومی از معروف ها و منکرها که طبعاً این ناآگاهی موجب می شود افراد در مقابل زمین ماندن فریضه و خطرات ناشی از آن حساسیت نشان ندهند، بنابراین باید آگاهی عمومی بالا برده شود و اهمیت موضوع توضیح داده شود.

بدیهی است در این مساله وظیفه آگاهان و دانشمندان و صاحبان بیان و قلم بسیار سنگین است و این گروه ها با توجه به سئولیت سنگین الهی که در مقابل نارسائی هایی جامعه به خصوص در مسائل فکری دارند باید آگاهی عمومی را بالا برده و خطرات ترک این وظیفه مهم را گوشزد نمایند و از طریق ایجاد حساسیت لازم سعی کنند این وظیفه ترک نشود.

2- گاه نگرانی و ترس از دست رفتن موقعیت اجتماعی یا ضررهای مالی افرادی را از انجام این وظیفه باز می دارد یعنی ممکن است افرادی از معروف ها و منکرها آگاهی داشته باشند ولی به اصطلاح مصلحت اندیشی کرده و برای منافع دنیوی مصالح دینی و عموم را فدا می کند و از انجام امر به معروف و نهی از منکر خودداری می نماید بدیهی است که منشا چنین رفتار در نبودن یا ضعیف بودن ایمان افراد است. (13)

ائمہ (ع) در روایات متعدد چنین افراد را مورد توجه قرار داده می فرمایند:

«... واعلموا ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر لن يقربا اجلا و لن يقطع رزقا...» (14) ... بدانید که امر به

معروف و نهی از منکر هرگز مرگی را نزدیک نمی کنند و رزقی را قطع نمی نمایند.»

اسلام در ادوار مختلف آسیب های جبران ناپذیر از چنین افراد دیده است که تاریخ اسلام پر از خیانت های چنین افراد است و چاره ای نیست جز این که باید به تقویت ایمان چنین افراد اقدام بشود.

3- روح اسلام و مسلمین مرده است! در جامعه ظاهرا اسلام هست، شعائر اسلامی وجود دارند ولی روح اسلام در جامعه مرده است، به برکت انقلاب و معنویت رهبری آن حضرت امام (ره) در ایام انقلاب و در دوره جنگ تحمیلی همانند صدر اسلام روحیه اسلامی در مسلمین زنده شد و لذا تحرک ایجاد کرد، شادابی آفرید، ولکن امروزه چنین نیست شاید مناسب ترین تعبیر برای امروز فرمایش امیرالمؤمنین (ع) است:

«... لبس الاسلام لبس الفرو مقلوبا؛ مردم جامه اسلام را مانند پوستین وارونه پوشیده اند.» (15)

یعنی مردم اسلام را هم دارند - منتسب به اسلام هستند - ولی آن را وارونه دارند نتیجه این که اسلامی دارند بی خاصیت و بی اثر به قول مرحوم شهید مطهری:

«اسلامی که دیگر نمی تواند حرارت بدهد، نمی تواند حرکت و جنبش ایجاد کند و نمی تواند بصیرت بدهد بلکه

مثل یک درخت آفت زده ای است پژمرده» (16)

منشا چنین وضعیتی از این است که مردم ظاهر اسلام را می گیرند، ولی لب آن را می گذارند و یا قسمتی از دین را عمل می کنند و قسمت دیگر را ترک می کنند «نؤمن ببعض و نکفر ببعض» از نظر قرآن کریم چنین افرادی مرده اند اگر بخواهند زنده شوند باید به فرمایش پیامبر خدا (ص) گوش فرا دهند. در آیه 24 سوره انفال آمده است که:

ای مردم مؤمن دعوت پیامبرتان را بپذیرید پیامبری که شما را به آن حقیقتی دعوت می کند که شما را زنده می کند پس مؤمنین قبل از پذیرفتن کامل فرمایش پیامبر زنده نیستند ولو متحرک اند و در میان مردم حرکت می کنند ولی مرده ای بیش نیستند زیرا آثار حیات، آگاهی و جنبش و حرکت است که وجود ندارد و یا بسیار ضعیف است و نیز از آثار دیگر حیات در یک مجموعه - جامعه - همبستگی میان اجزاء آن است و خاصیت مردگی

متلاشی شدن اجزاء و متفرق شدن اعضاء می باشد آیا مردم ما امروز آگاهی و جنبش و تلاش لازم را دارند آیا

همبستگی در چه حد در میان افراد جامعه وجود دارد. اتحاد میان مسلمانان جهان در چه اندازه وجود دارد؟! پس نیاز مبرم و ضرورت جدی این است که جامعه اسلامی تفکر خود را زنده بکند و تلقی خود از اسلام را عوض کرده لباس اسلام را وارونه نپوشد.

4- عامل دیگر عدم برخورد مناسب آمرین به معروف و ناهیان از منکر و یا عامل نبودن خود آنان است که در هر صورت انجام این وظیفه الهی با این کیفیت نه تنها نتیجه مورد نظر را نخواهد داد بلکه زمینه ها را نیز خراب کرده و جو را آلوده می کند زیرا مثلا در جایی که امر به معروف و نهی از منکر کننده از انجام این وظیفه برداشت خشونت کند و با چنین حالت با دیگران برخورد کند نتیجه از پیش معلوم است که چه خواهد بود و یا در جایی که خود چنین فرد به گفته هایش عامل نباشد در پذیرش حرف های او از دیگران چه انتظار می رود؟ لذا در اسلام برای انجام امر به معروف و نهی از منکر شرایط بسیار دقیق و ظریف در نظر گرفته شده است که باید افرادی که متکفل چنین امری می شوند کاملا آمادگی لازم را داشته باشند.

5- عامل دیگر طرح مسائل و شبهات علمی و گاهی خلاف دین در رسانه های عمومی و ایجاد شبهه در باورهای دینی مردم است مثلا طرح مسئله تساهل در روزنامه ها قطع نظر از این که چنین مسئله ای در دین هست یا نه و قطع نظر از این که طراحان آن در روزنامه ها نیت درست دارند یا نه، جز ایجاد شبهه در اعتقادات پاک مردم، فایده دیگر نخواهد داشت زیرا بسیار واضح است که اکثریت خوانندگان روزنامه ها در حدی نیستند که مسائل را از منظر علمی - دینی تحلیل کنند بنابراین طرح چنین مسائلی به نتیجه نخواهد رسید و این همان شبهه افکنی در باور دینی مردم است که در نهایت حساسیت عمومی را نسبت به مسائل دینی تضعیف یا از بین خواهد برد، بنابراین به نظر می رسد برای حفظ حرمت حریم اعتقادات مردم و لطمه ندیدن آن، بهتر است چنین شبهات که نیاز به بحث علمی دارند در مجامع علمی مطرح شوند و اگر قرار است به رسانه ها کشیده شود در مجلات علمی مطرح شوند. و از این قبیل است مسائلی که در فیلم ها مطرح می شوند به خصوص فیلم هایی که پیام اجتماعی و فرهنگی دارند، سازندگان آنها نه تنها باید از مسائل اطلاع کافی و درست داشته باشند از طرح مسائل شبهه انگیز نیز پرهیز کنند.

6- عامل دیگر وسوسه های شیطانی رسانه های فرامرزی بیگانگان و دشمنان است که عمدتا با بزرگ نمایی نارسائیهای موجود با هدف اغفال مخاطبان ناآگاه به خصوص نسل جدید انجام می گیرد معمولا این تلاش ها در افرادی کارگر می افتد که اطلاع کافی از سابقه افتخارات مذهبی و ملی خود ندارد و با آنها بیگانه است و از طرفی از شگرد وسوسه های شیطانی دشمنان بی خبر است یعنی به نحوی در تحیر قرار دارد و لذا در عالم بی خبری حساسیت لازم را نسبت به آنچه خود دارد نداشته و در مقام دفاع و امر به معروف و نهی از منکر بر نمی آید باید اذعان کرد که متأسفانه دشمن این نقطه ضعف ها را خوب شناسایی کرده و در چند سال اخیر در تهاجم فرهنگی و فکری خود، بیشترین استفاده را نموده است و ضربه های بسیاری را بر پیکر انقلاب وارد کرده است. اباعبدالله الحسین (ع) زمانی که متوجه شدند مردم به خصوص حکومت، لباس اسلام را وارونه پوشیده است و هر روز فاصله از اسلام محمدی (ص) زیادتر می شود و از شگردهای مختلف در اغفال و انحراف مردم و زدودن حساسیت آن ها نسبت به دین استفاده می شود و هر روز بیگانگی مردم از دین زیادتر می شود سکوت را جایز نشمرند و برای اصلاح امت و دین جدش قیام نمودند و در این مسیر، جان خود و فرزندان و یارانش را فدا کردند و بعد از شهادت شهداء، اهل بیت بزرگوار امام (ع) که تعلیم یافته مکتب حسینی بودند مرگ عزیزان را پایان خط ندانستند، بلکه از همان لحظه شهادت پرچم امر به معروف و نهی از منکر را به دوش گرفتند، هرگز به صورت یک جمعیت شکست خورده درنیامدند آنان همانند خود امام (ع) زنده ماندن یا کشته شدن را پایان کار ندانستند، بلکه آن وضعیت بسیار دلخراش دوره اسارت را زمینه مناسب برای انجام وظیفه الهی خود قرار دادند و در هر لحظه هدف مقدس حسینی را دنبال کردند و چه نیکو انجام دادند تا آن جا که حادثه کربلا نه تنها فراموش نشد و

از تحریف مصون ماند، بلکه آن حادثه دلخراش را اهل بیت امام (ع) در تاریخ به نفع حقیقت و حقیقت جویان به ثبت رساندند و دغل بازان بنی امیه و یزید را رسوا نموده، چهره کفرآلودشان را واضح نمودند و بدین وسیله درخت اسلام را تا ابد سیراب نمودند، به نحوی که یزیدهای دیگر جرات جسارت به دین را پیدا نکرده و نخواهند کرد. السلام علی الحسین و علی بنی علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین علیهم السلام اشهد انکم امرتم بالمعروف و نهیتم عن المنکر.

پی نوشت ها :

1. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج 1، ص 289.
2. فرهاد میرزا، قمقام زخار، ج 1، ص 266، چاپ اسلامیه، 1362، تهران.
3. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج 2، ص 553، حوادث سال 61 در قسمت گفت و گوی امام (ع) با حر (ره) .
4. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، باب 1، حدیث 5، ص 343.
5. سوره انعام، آیه 65.
6. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج 4، ص 315.
7. وسائل الشیعه، همان، حدیث 4.
8. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج 2، ص 45.
9. وسائل الشیعه، همان، حدیث 18، ص 398.
10. تفسیر نمونه، ج 5، ص 44، ذیل آیه مورد بحث.
11. وسائل الشیعه، همان، حدیث 13، ص 397.
12. همان، حدیث 6، ص 395.
13. همان، حدیث 13، ص 397.
14. همان، حدیث 6 و 7، ص 395 و حدیث 24، ص 399.
15. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 107، جمله آخر خطبه.
16. مطهری، مرتضی، حق و باطل، صدرا، ص 78.